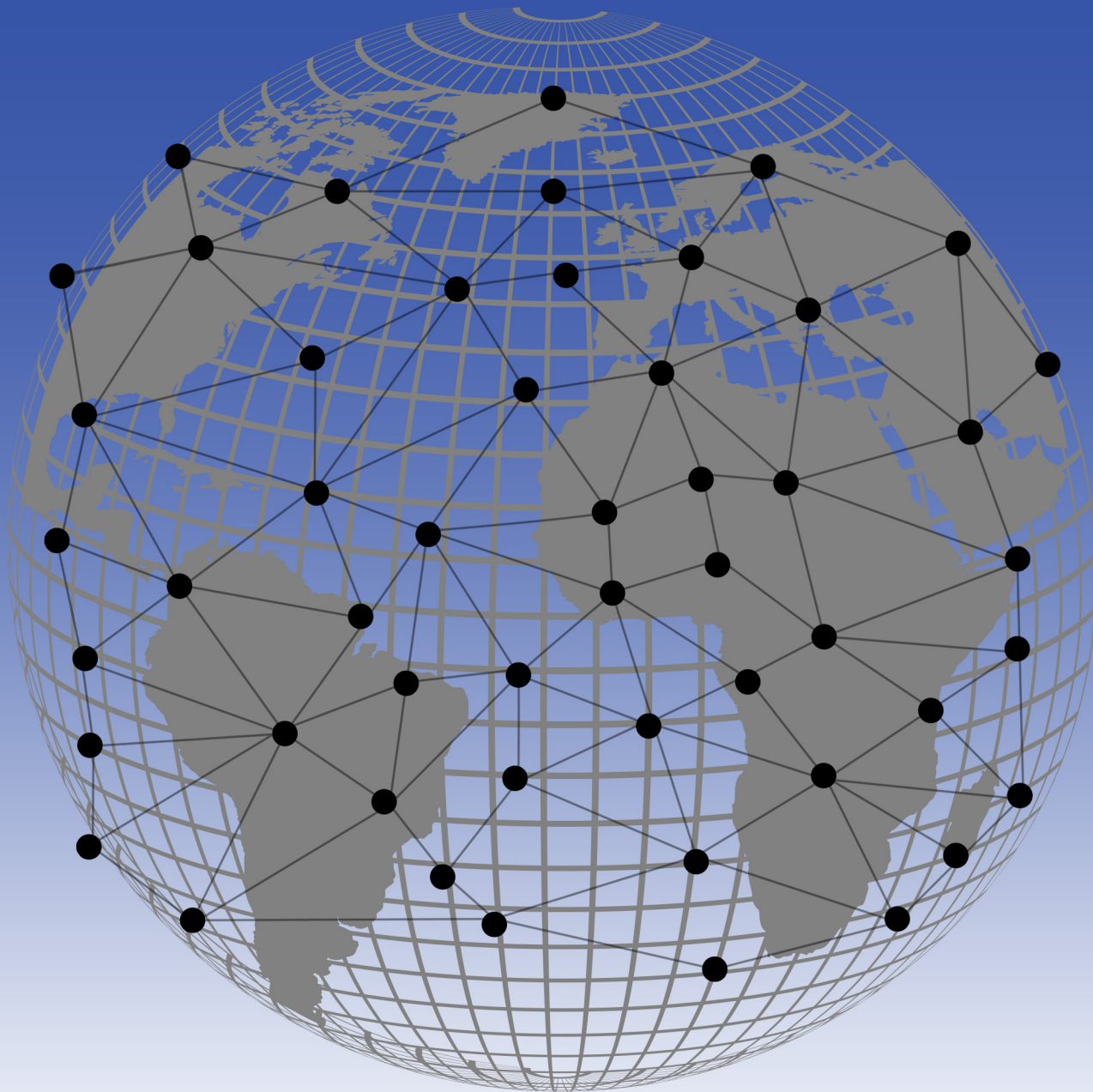




مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

پایش تحولات تجارت جهانی (گزارش نخست)



تیر ۱۴۰۰

شناسنامه گزارش



مركز پژوهش های اتاق ایران

عنوان:

پایش تحولات تجارت جهانی
(گزارش نخست)

مدیریت اقتصاد کلان و آینده پژوهی

تاریخ انتشار: تیر ۱۴۰۰

واژه‌های کلیدی: اتحادیه اوراسیا، همگرایی منطقه ای، محیط ژئواکونومیک، استراتژی امنیت ملی، روسیه، عربستان، امارات

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، نبش خیابان شهید موسوی (فرصت)، پلاک ۱۷۵

سلسله گزارش‌های "پایش تحولات تجارت جهانی" رویدادهای کلیدی در محیط ژئواکونومیک ایران را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. در این قالب، رویدادهای کلیدی از منظر تاثیرگذاری بر دیپلماسی اقتصادی و موقعیت ژئواکونومیک ایران مورد توجه قرار می‌گیرند. هدف از تهیه این گزارش که به صورت ماهانه از سوی مرکز پژوهش‌های اتاق ایران منتشر خواهد شد ارائه تصویری روشن از محیط ژئواکونومیک ایران و فرصت‌ها و تهدیدهای ایران در این فضا است.

فهرست مطالب

۵	مقدمه
۶	۱- ابعاد اقتصادی استراتژی جدید امنیت ملی روسیه
۹	۲- رقابت ژئواکونومیک در درون شورای همکاری خلیج فارس

مقدمه

ایران در اقتصاد سیاسی بین‌الملل موقعیتی دوگانه دارد. از یکسو ارتباطات بین‌المللی این کشور به کمترین میزان در دهه‌های اخیر رسیده است. از دیگر سو کشور به صورتی مضاعف از تحولات در محیط روانی و عملیاتی اقتصاد سیاسی بین‌الملل متاثر می‌شود. سلسله گزارش‌های "پایش تحولات تجارت جهانی" رویدادهای کلیدی در محیط ژئواکونومیک ایران را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. در این قالب رویدادهای کلیدی از منظر تاثیرگذاری بر دیپلماسی اقتصادی و موقعیت ژئواکونومیک ایران مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.

در این گزارش دو تحول کلیدی در اضلاع شمالی و جنوبی محیط ژئواکونومیک ایران مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نخست استراتژی جدید امنیت ملی روسیه، مهمترین همسایه شمالی ایران از منظر محتوا و رویکرد اقتصادی این سند مورد بحث قرار گرفته است. در ادامه رقابت ژئواکونومیک عربستان و امارات عربی متحده که در هفته‌های اخیر ابعاد رسانه ای یافته واکاوی شده است.

۱- ابعاد اقتصادی استراتژی جدید امنیت ملی روسیه

در ضلع شمالی محیط ژئواکونومیک ایران، انتشار استراتژی جدید امنیت ملی روسیه از منظر نگاه این قدرت و این همسایه کلیدی ایران به سیاست و اقتصاد جهانی اهمیت دارد. استراتژی جدید امنیت ملی روسیه در جولای ۲۰۲۱ منتشر شد. پیش از این روسیه در ۲۰۱۵ استراتژی امنیت ملی خود را منتشر کرده بود. در این استراتژی تغییرات جدی نسبت به استراتژی گذشته به چشم می‌خورد. استراتژی جدید متمرکز بر حفظ ارزش‌های سنتی روسیه، تضمین امنیت اطلاعات، مقابله با تبلیغات غرب علیه این کشور و امنیت اقتصادی است. به همین لحاظ نسبت به استراتژی ۲۰۱۵ که خوشبینانه و همکاری‌جویانه بوده تغییرات مهمی در رویکرد بین‌المللی روسیه پدید آمده است. به دیگر سخن در این سند روسیه کشوری ملی‌گرا با نگاه به درون و کشوری محافظه‌کار در صحنه بین‌المللی تصویر شده است، کشوری که تنش‌های طولانی با غرب را پیش روی خود می‌بیند و می‌کوشد با توانمندی‌های خویش این تنش را مدیریت نماید.

در حوزه اقتصادی، در این سند از لزوم گذار این کشور از صادرکننده مواد خام به کشوری که در زنجیره‌های جهانی ارزش جایگاه بالاتری داشته باشد، به صنایع‌های تک‌گذر کند و در عین حال وابستگی کمتری به نظام مالی دلار داشته باشد سخن به میان آمده است. نکته دیگری که در این سند نسبت به گذشته متفاوت شده برداشت روسیه از ارتباط اقتصادی با جهان و به ویژه با غرب است. در پیامد تحریم‌های اعمال شده علیه روسیه و تشدید آنها در سال‌های اخیر و پیچیده‌تر شدن و رقابتی شدن روابط با غرب، در سند جدید "رشد اقتصادی" با "امنیت اقتصادی" جایگزین شده است. به دیگر سخن روسیه بیشتر متمرکز بر امنیت اقتصادی و حفظ امنیت اقتصادی در فضای رقابت استراتژیک طولانی‌مدت با غرب می‌شود تا پیگیری رشد اقتصادی در پرتو تنیدگی در اقتصاد جهانی. افزون بر این در این سند بر کاهش نابرابری در روسیه از یک سو و افزایش رشد اقتصادی که به واسطه کرونا به شدت افت کرده تاکید شده است. بر نقش مخرب تغییرات آب و هوایی بر امنیت اقتصادی و لزوم مقابله با این روند نیز تاکید شده است. نکته دیگری که در این سند اهمیت دارد و به نوعی "نگاه به درون" روسیه را تقویت می‌کند آنکه که بر استقلال فناورانه تاکید بسیاری شده است و این نکته تصریح شده که روسیه باید به لحاظ فناوری به ویژه در حوزه‌های بسیار حساس به سمت استقلال بیشتر حرکت کنند.

از منظر چشم‌انداز اقتصاد سیاسی بین‌الملل در این سند پیش‌بینی شده که بی‌ثباتی ژئوپلیتیک ادامه خواهد یافت و روسیه باید خود را برای مواجهه با پیامدهای آن آماده کند. از منظر روسیه غرب همچنان در پی مهار این کشور خواهد بود و خواهد کوشید تسلط خود در صحنه بین‌المللی را تداوم بخشد. در سند تصریح شده که روسیه باید با این روند مقابله نماید.

اما آنچه از منظر این گزارش اهمیت دارد، ایده کلان دیپلماسی اقتصادی روسیه است که در این سند نیز به آن اشاره شده است. ایده کلیدی دیپلماسی اقتصادی که در این سند بر آن تاکید شده است و به نوعی جهت‌گیری دیپلماسی اقتصادی روسیه را بازتاب می‌دهد تحت عنوان "مشارکت اوراسیایی بزرگتر" مفهوم بندی شده است. روسیه از سال‌ها پیش اتحادیه اقتصادی اوراسیا را به عنوان ابتکار دیپلماسی اقتصادی خود پیگیری کرده است، اما حوزه این ابتکار را به کشورهای خارج نزدیک و کشورهای جمهوری‌های شوروی سابق محدود کرده بود. مشارکت اوراسیایی بزرگتر دامنه این ابتکار را به کلیت اوراسیا گسترش می‌دهد.

از منظر برخی محققین نزدیک به دولت روسیه، ایده کلان مشارکت اوراسیایی بزرگتر واجد چند اصل کلیدی است: نخست آنکه این مشارکت رقیب ساختارهای همگرایی منطقه‌ای در اوراسیا همچون آسه ان، موافقتنامه مشارکت اقتصادی جامع منطقه‌ای که چین بنیانگذار آن در شرق آسیاست و دومین موافقتنامه بزرگ منطقه‌ای در جهان محسوب می‌شود و نیز پروژه‌های فراملی همچون ابتکار یک کمربند و راه و یا سازمان‌هایی همچون سازمان همکاری شانگهای، اپک و سازمان‌های مشابه نیست بلکه به نوعی هر یک از این سازمان‌ها و نهادها را در راستای شکل‌گیری یک مکانیسم منسجم و کلان همگرایی اوراسیایی می‌داند.

دوم آنکه این مشارکت به معنای شکل‌گیری اتحادیه شرق اوراسیا علیه غرب اوراسیا یا اتحادیه اروپا نیست. سوم آنکه در فرایند شکل‌گیری این اتحادیه کشورهای عضو باید تفاوت‌های جدی در مدل‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشورهای عضو را به رسمیت بشناسند و تلاشی در جهت ایجاد یکپارچگی در این حوزه‌ها صورت ندهند. این گزاره عمدتاً با هدف کاستن از نگرانی‌های جمهوری‌های شوروی سابق در ادبیات راهبردی روسیه مطرح می‌شود.

چهارم آنکه در این طرح برخلاف اتحادیه اروپا قواعد دشواری برای عضویت اعضا طراحی نشده است بلکه کشورها می‌توانند با توجه به نیازمندی‌ها و اولویت‌های خود در بخشی این اتحادیه، به عنوان مثال در حوزه‌های تجارت، تامین مالی یا زیرساخت‌ها مشارکت نمایند.

پنجم آنکه با وجود کانونی بودن نقش همکاری‌های اقتصادی در این اتحادیه، دامنه همکاری میان کشورها نباید به حوزه اقتصاد محدود شود بلکه در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی و نیز گسترش روابط میان ملت‌ها باید پیگیری شود.

ششم آنکه توسعه همگرایی اقتصادی در قالب این پروژه بدون کوشش برای شکل‌دهی به فرایند موازی همکاری امنیتی و تلاش برای حل و فصل مسائل امنیتی باقی مانده از قرن بیستم و پیش از آن امکان‌پذیر نیست. مسائلی مانند اختلافات سرزمینی، تجزیه طلبی و "پدیده مردمان جدا شده از یکدیگر"، تروریسم و افراط‌گرایی دینی باید در این روند از مسیر مکانیسم‌های همکاری حل‌وفصل گردد.

هفتم آنکه اجرایی شدن این پروژه مشارکتی به هیچ روی نباید به معنای منزوی کردن اوراسیا از بقیه مناطق جهان باشد بلکه باید به عنوان بخشی از فرآیند مشارکت اوراسیا در روندهای سایر مناطق همچون آفریقا، آمریکای شمالی و جنوبی تلقی شود.

هشتم آنکه شکل‌گیری این پروژه مشارکتی نه از بالا به پایین بلکه از پایین به بالا باید صورت گیرد و بر مبنای توافق‌های بخشی و کوچک همگرایی منطقه‌ای و همکاری دولت‌های همسایه با یکدیگر به تدریج عملیاتی شود. با وجود آن که روسیه می‌کوشد تصویری مثبت از این ابتکار ارائه دهد و خود را به عنوان کانون روند جدید همگرایی منطقه‌ای در پهنه اوراسیا معرفی نماید، تردیدهای جدی در اوراسیا در مورد نیت این کشور وجود دارد. طیف وسیعی از کشورها این ابتکار را در نهایت ابتکاری ژئوپلتیک و با هدف احیای تسلط روسیه بر جمهوری‌های شوروی سابق و سپس گسترش این حوزه نفوذ به سایر بخش‌های اوراسیا می‌دانند. از همین رو از سال ۲۰۱۵ تاکنون با وجود آنکه روسیه امتیازات قابل توجهی به برخی کشورها برای الحاق به اتحادیه اقتصادی اوراسیا ارائه داده، استقبال قابل توجهی از این پروژه صورت نگرفته است.

نکته دیگری که در نقد کوشش‌های روسیه برای شکل‌دهی به همگرایی اقتصادی در اوراسیا بیان می‌شود آن که این کشور هیچگاه اقتصادی بزرگ نبوده و نقش لوکوموتیو اقتصادی برای سایر کشورها را ندارد. به دیگر سخن روسیه نمی‌تواند نقشی شبیه نقش آلمان در اقتصاد اتحادیه اروپا یا نقش ژاپن و چین در اقتصاد آسیا را ایفا نماید. افزون بر این ایده مشارکت در اوراسیای بزرگتر در رقابت با دو پروژه کلان دیگر در پهنه اوراسیا یعنی اتحادیه اروپا که سالهاست قوام یافته و مهمترین بلوک اقتصادی جهان محسوب می‌شود از یک سو و ابتکار جاده و کمربند چین از دیگر سو، دارای نقاط ضعف جدی است.

اما ارائه این طرح مشارکتی و اصرار بر آن از سوی روسیه ان‌دهنده این موضوع است که این کشور نمی‌خواهد به چین و اتحادیه اروپا به آسانی بدل به هژمون ژئواکونومیک در اوراسیا گردند و دستور کار این پهنه را شکل دهند. از همین روست که در این سند نیز از یک سو توسعه طلبی اقتصادی غرب مورد نقد قرار گرفته است و از طرف دیگر به صورت غیر مستقیم و در قالب این جمله که "اوراسیا نباید تحت تسلط یک اقتصاد قرار گیرد" نگرانی‌های روسیه از موفقیت پروژه راه ابریشم چین و تبدیل شدن چین به مهمترین بازیگر در ژئواکونومی اوراسیا ابراز شده است.

نهایتاً آنکه سند جدید امنیت ملی روسیه از منظر اقتصادی نشانی از موقعیت در حال تحول این کشور در نظم بین‌المللی است. روسیه در دوره پسا جنگ سرد دو دوره متفاوت در تعامل با اقتصاد جهانی داشته است. دوره نخست در پرتو شوک درمانی و گسترش روابط با غرب کوشش‌هایی برای الحاق روسیه به غرب به لحاظ

ارزشی و منفعتی صورت گرفت. شکست این کوشش‌ها به ظهور پوتینیسم و آغاز دوره همکاری و رقابت با غرب منجر شد. این دوره نیز با الحاق کریمه به روسیه و تحریم‌های تشدید شونده غرب به پایان رسید. روسیه در سال‌های اخیر وارد دوره جدیدی شده است که تنش ژئوپلیتیک با غرب مهمترین ویژگی آن است. این کشور به تدریج می‌کوشد اقتصاد سیاسی خود را برای دوره جدید آماده نماید. امنیت اقتصادی و شکل دهی به نوعی از همگرایی بین دولتی روسیه محور در کانون نگاه جدید روسیه به صحنه بین‌المللی است. سند جدید امنیت ملی این نگاه را بازتاب می‌دهد.

۲- رقابت ژئواکونومیک در درون شورای همکاری خلیج فارس

در هفته‌های اخیر اختلاف عربستان سعودی و امارات عربی متحده بدل به یکی از موضوعات کلیدی در تحولات ژئواکونومیک خلیج فارس شده است. اگرچه این اختلاف بر سر کاهش تولید نفت اوپک در گرفت و رسانه شد، اما ابعاد دیگری نیز دارد و نمادی از وضعیت جدید در شورای همکاری خلیج فارس به شمار می‌رود، شورایی که در ابتدا گروهی منسجم، همگرا و علیه ایران تلقی می‌شد، اما با تحریم قطر وارد دوره ای جدید شد و اکنون با اختلاف امارات و عربستان سعودی و اگرایی کشورهای درون آن بیشتر شده است. اختلاف عربستان سعودی به امارات عربی متحده در چند لایه قابل بررسی است:

۲-۱- در لایه انرژی، اختلاف اخیر دو کشور بر سر پیشنهاد نفتی عربستان سعودی مبنی بر تمدید زمان کاهش تولید نفت به پس از آوریل ۲۰۲۲ بود. امارات در اجلاس اخیر پیشنهاد عربستان مبنی بر تداوم کاهش تولید تا ۲۰۲۲ را نامنصفانه خواند و خواستار افزایش سهمیه تولید شد. اگر پیشنهاد عربستان سعودی عملیاتی شود، امارات عربی متحده بیشترین آسیب را خواهد دید زیرا حدود ۳۰ درصد کل تولید این کشور در دو سال آینده باید کاهش داده شود.

ذخایر نفتی امارات عربی متحده حدود ۹۸ میلیارد بشکه، ۶ درصد کل ذخایر جهان محسوب می‌شود. این کشور قصد دارد در ۵ سال آینده حدود ۱۲۰ میلیارد دلار برای افزایش ظرفیت تولید خود سرمایه گذاری نماید و بدین واسطه ظرفیت تولید خود را از ۳,۸ میلیون بشکه در روز به ۵ میلیون بشکه تا سال ۲۰۳۰ افزایش دهد. تصمیمات اوپک محدودیت‌های مهمی بر ظرفیت صادراتی این کشور بار می‌کند. گرچه این اختلاف موقتا حل و فصل شده است، اما نمادی از رقابت ژئواکونومیک فزاینده میان دو کشور کلیدی شورای همکاری خلیج فارس است.

۲-۲- رقابت میان این دو کشور در حوزه‌های دیگر نیز در سال‌های اخیر شکل گرفته و تداوم یافته است. در تصویر کلان، رقابت فزاینده اقتصادی میان عربستان و امارات عربی متحده به چشم‌انداز بازار

نفت ارتباط می‌یابد. بر مبنای برخی برآوردهای معتبر، تا یک دهه آینده متاثر از عوامل مختلف به ویژه کربن زدایی در اقتصادهای بزرگ تقاضا برای نفت در جهان کاهش خواهد یافت. این روند فشارهای فزاینده بر اقتصادهای نفتی دو کشور و به طور کلی تمامی کشورهای نفتی وارد می‌آورد.

از همین رو از سال ۲۰۱۵ کشورهای شورای همکاری خلیج فارس متنوع سازی اقتصادی را به صورتی جدی تر در دستور کار قرار دادند. اما از آنجا که مزیت‌های نسبی اقتصادی و موقعیت ژئواکونومیک این کشورها شباهت‌های مهمی به یکدیگر دارد، چشم‌اندازهای ترسیم شده نیز به یکدیگر شباهت یافته و زمینه را برای رقابت فزاینده در حوزه‌های مشخصی به ویژه، لجستیک، صنعت توریسم، تبدیل شدن به هاب مبادلات مالی و میزبانی تولید افزایش داده است.

به عنوان مثال سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان سعودی که در سال ۲۰۱۶ منتشر شد اهداف کلیدی این کشور را افزایش نقش بخش خصوصی در اقتصاد، سرمایه‌گذاری گسترده در بخش‌هایی همچون توریسم، انرژی‌های نو و فناوری‌های جدید می‌داند. امارات عربی متحده نیز چشم‌انداز مشابهی را طراحی کرده است.

نکته دیگری که باید به آن توجه نمود آن که عربستان سعودی به عنوان بزرگترین و مهمترین کشور این مجموعه در مسیر متنوع سازی اقتصاد خود، از دیگر کشورهای شورای همکاری به ویژه امارات عربی متحده عقب‌مانده است و می‌کوشد این عقب‌ماندگی را با رقابت فزاینده با همسایگان جبران نماید.

۲-۳- در همین راستا هفته‌های اخیر عربستان سعودی در راستای پیشبرد رقابت با امارات عربی متحده تغییراتی در رژیم تجاری خود ایجاد کرد، تغییراتی که عمدتاً با هدف حمایت‌گرایی و ایجاد موانع در دسترسی امارات به عنوان دومین شریک تجاری عربستان به بازار این کشور است. بر مبنای موافقتنامه تجارت آزاد کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس که در سال ۲۰۰۳ به امضا رسید، موانع تعرفه ای و عمده موانع غیرتعرفه‌ای از میان برداشته شد. عربستان سعودی اخیراً اعلام کرده کالاهایی که در مناطق آزاد کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و با مشارکت کارگران خارجی تولید می‌شود را از این توافق تجاری مستثنی کرده است.

کالاهایی که سهم نیروی کار محلی در تولید آنها سهم کمتر از ۲۵ درصد داشته باشد و یا کمتر از ۴۰ درصد از ارزش افزوده آنها متعلق به منطقه شورای همکاری خلیج فارس باشد در قالب موافقتنامه تجارت آزاد قرار نمی‌گیرند. به علاوه عربستان سعودی واردات کالاهایی که با مشارکت شرکت‌های رژیم اشغالگر تولید می‌شوند را ممنوع کرده است.

۴-۲- افزون بر این عربستان اعلام کرده است شرکت‌هایی می‌توانند در مناقصات دولتی این کشور شرکت کنند که مقر منطقه‌ای آنان در این کشور باشد. این اقدام نیز آشکارا در رقابت با امارات عربی متحده که عملاً بدل به میزبان شرکت‌های بین‌المللی در خاورمیانه شده، قرار می‌گیرد.

۵-۲- یکی دیگر از حوزه‌های همپوشی چشم‌اندازهای اقتصادی کشورهای این منطقه توسعه صنعت حمل‌ونقل و تبدیل شدن به هاب لجستیک در خلیج فارس است. در همین راستا عربستان سعودی وعده داده حدود ۱۴۷ میلیارد دلار تا سال ۲۰۳۰ در صنعت حمل‌ونقل و لجستیک سرمایه‌گذاری می‌کند. تاسیس دومین خط هوایی دولتی از سوی عربستان در آینده‌ای نزدیک یکی از حوزه‌های سرمایه‌گذاری لجستیکی این کشور و یکی دیگر از نمادهای رقابت فزاینده این کشور با امارات عربی متحده است. این خط هوایی که قرار است به ۲۵۰ مقصد در جهان پرواز داشته باشد بخشی از روند کلان‌متنوع سازی اقتصادی این کشور است که در سال‌های اخیر و متأثر از روند کاهش قیمت نفت آغاز شده است. در مورد چشم‌انداز اقتصادی این خط هوایی تردیدهای جدی ابراز شده است. برخی کارشناسان استدلال می‌کنند که بازار این منطقه عملاً در اختیار هواپیمایی امارات و قطر است و پروازها بین شرق و غرب عملاً توسط این دو هوایی صورت می‌گیرد. مهمتر آنکه این دو خط هوایی نیز در سال‌های اخیر با چالش‌های جدی مواجه شده‌اند. خط هوایی امارات برای نخستین بار در سال‌های اخیر زیان ده شده است. میزان سفرهای بین‌المللی در خاورمیانه در ماه می ۲۰۲۱ ۸۱ درصد نسبت به مدت مشابه در ۲۰۱۹ کاهش یافته است.

از این منظر به باور برخی، اقدام عربستان سعودی بسیار دیر انجام می‌شود و تقاضا برای ایجاد یک خط هوایی شبیه خطوط قطری و اماراتی وجود ندارد. به بیان دیگر عربستان سعودی در این حوزه مزیت رقابتی ندارد. افزون بر این خط هوایی جدید عربستان در محیط همسایگی شورای همکاری خلیج فارس نیز با خط هوایی ترکیش مواجه است که رقیب جدی برای آن به شمار می‌آید.

برخی نیز استدلال می‌کنند که محدودیت‌های مذهبی اعمالی از سوی دولت سعودی بر رقابت‌پذیری این خط تأثیرات منفی خواهد داشت، محدودیت‌هایی که در خطوط اماراتی، قطری و ترکیش اعمال نشده است. افزون بر این از آنجا که قطب این خط هوایی در ریاض خواهد بود نمی‌تواند امکان زیارت مکه را برای مسافران ترانزیت به عنوان یک مشوق در نظر گیرد و جمعیت ۱,۸ نفری مسلمانان را به سوی خود جذب نماید.

البته دیگرانی استدلال می‌کنند که این خط در پرجمعیت‌ترین کشور مجموعه شورای همکاری خلیج فارس با ۳۴ میلیون نفر جمعیت تاسیس می‌شود. سعودی‌ها می‌کوشند با دامن زدن به احساسات

ناسیونالیستی مسافران را تشویق کنند تا به جای استفاده از ایرلاین‌های خارجی از این خط هوایی استفاده نمایند. بر مبنای آمارها در سال ۲۰۱۸ حدود ۱۴,۶ میلیون شهروند سعودی با خطوط هوایی خارجی مسافرت کرده‌اند.

یکی از دلایل دیگری برای این تصمیم عربستان سعودی ذکر می‌کنند آن که این کشور می‌کوشد برند ملی خود را در صحنه بین‌المللی بازسازی نماید، از گذشته وهابی خود به نوعی فاصله گیرد و این کشور را به عنوان سرزمینی جذاب برای سرمایه‌گذاری و دادوستد با جهان تصویرسازی نماید و به تدریج رهبری اقتصادی در شورای همکاری خلیج فارس را در دست گیرد. خطوط هوایی یکی از ابزارهای کلیدی برندسازی ملی محسوب می‌شوند. آنها در این راستا به تجربه امارات و قطر توجه دارند. البته تجربه امارات در ایجاد خطوط هوایی یکسره موفقیت آمیز نبوده است. دولت امارات حدود ۲۲ میلیارد دلار به خط هوایی الاتحاد که از سال ۲۰۰۳ آغاز به کار کرده است اختصاص داد. اما این خط هوایی برای گرفتن سهم از بازار دچار مشکلات عدیده شد و بلند پروازی‌های خود را کاهش داد.

عربستان سعودی در نظر دارد تا در سال ۲۰۳۰، سالانه حدود ۱۰۰ میلیون توریست را به این کشور جذب کند. برخی استدلال می‌کنند که تاسیس این خط می‌تواند به موفقیت این برنامه کمک نماید. اما دیگرانی استدلال می‌کنند که عربستان سعودی راه درازی برای تبدیل شدن به یک بازیگر کلیدی در صنعت توریسم پیش رو دارد. از سال ۲۰۱۸ که این کشور کوشش‌ها در این راستا را تشدید کرده است، نتایج چندان امیدوار کننده نبوده‌اند. در سال ۲۰۱۹ حدود ۱۶,۵ میلیون توریست از این کشور دیدن کردند که تنها ۱,۲ میلیون نفر نفر نسبت به ۲۰۱۸ افزایش یافته است. با وجود این عربستان امید دارد تا با استفاده از مزیت نسبی خود در حوزه توریسم مذهبی بتواند از رقبا پیشی بگیرد.

۲-۶- رقابت ژئواکونومیک عربستان و امارات عربی متحده رو به افزایش است، اما این دو کشور هنوز از منافع مشترک مهمی برخوردارند. هر دو کشور به مقابله با ایران، اخوان المسلمین و آنچه تهدیدات تروریستی مشترک می‌خوانند اهمیت می‌دهند، گرچه فوریت و اهمیت هر یک از این حوزه‌ها برای دو کشور متفاوت است. بنابراین در گرفتن این رقابت را نمی‌توان با اختلافاتی که این دو با قطر دارند مقایسه کرد. در برداشتی کلان، متاثر از پویای اقتصاد سیاسی بین‌الملل، بویژه رشد حمایت‌گرایی، رقابت میان عربستان و امارات برای حفظ و ارتقای موقعیت در اقتصاد جهانی و نیز در دست گرفتن رهبری اقتصادی در این منطقه، احتمالاً تداوم خواهد یافت.